

## حقوق مالکیت فکری

### Intellectual Property Rights

در این مدخل به توصیف مالکیت فکری، حقوق مرتبط با آن و اهمیت آن در تخصیص کارای منابع در اقتصاد پرداخته می‌شود.

دارایی‌های معنوی یا فکری زیرمجموعه‌ای از دارایی‌ها هستند که ماحصل خلاقیت و نبوغ انسان است و دامنه‌ای از خلاقیت‌های هنری تا اختراع و اکتشاف را در برمی‌گیرد. از جمله این دارایی‌ها می‌توان به کپی‌رایت، انواع پتنت، نشان تجاری (Trademark) و اسرار تجاری اشاره کرد. حقوق مالکیت در معنای عام و حقوق مالکیت فکری به‌طور خاص به دنبال تنظیم‌گری روابط مبادلاتی میان عاملین اقتصادی (خانوار، بنگاه، دولت و مانند آن) در ارتباط با این دارایی‌ها است. حقوق مالکیت را می‌توان به مثابه سبدی از حق‌هایی دانست که به دارنده آن دارایی تعلق خواهد گرفت. این سبد دامنه‌ای از حق‌ها از جمله حق استفاده تا حق انتقال (به صورت موقتی یا حتی دائم) را در برمی‌گیرد. با توجه به ویژگی‌های خاص دارایی‌های فکری (از جمله ناملموس بودن) و تفاوت آن‌ها با سایر دارایی‌های فیزیکی، حقوق مالکیت فکری به کار گرفته می‌شود تا سبد مزبور از حق‌های داده شده به دارندگان این دارایی‌ها و نحوه مراقبت از آن‌ها تبیین شود.

در تدوین حقوق مالکیت فکری در گام نخست باید استانداردهایی تعیین شود تا بر مبنای آن‌ها دامنه دارایی‌های فکری که قرار است تحت حمایت قانون قرار گیرند مشخص شود. اولین استاندارد که از آن به عنوان استاندارد "ارتفاع (Height)" یاد می‌شود ناظر بر نوآوری نهفته در آن دارایی است که باید به اندازه‌ای باشد که منجر به خلق یک دارایی فکری جدید شود که قابلیت حمایت داشته باشد. برای مثال، این استاندارد در مورد پتنت درمقایسه با کپی‌رایت پررنگ‌تر است. دومین بعد، مربوط به دامنه حمایتی‌هایی

است که قرار است از آن دارایی فکری صورت گیرد که از آن به عنوان استاندارد عرض (Width) نیز یاد می‌شود. در این مورد نیز کپی‌رایت درمقایسه با پتنت از عرض حمایتی کمتری برخوردار بوده و حتی در مواردی استفاده منصفانه مشمول کپی‌رایت نخواهد شد. بُعد آخر حمایت از دارایی‌های فکری در بردارنده بُعد زمان و دوره حمایت از آن‌ها است. برای مثال، به‌طور معمول دوره حمایت از پتنت‌ها ۲۰ ساله است حال آنکه کپی‌رایت ممکن است حتی پس از مرگ خالق آن نیز ادامه یافته و به وراثت وی برسد. در بخشی دیگر از حقوق مالکیت فکری نیز ضمانات اجرایی لازم جهت مراقبت از حقوق داده شده به صاحبان این دارایی‌ها پیش‌بینی شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به جرم‌انگاری و مجازات نقض (که در مورد پتنت، کپی‌رایت و نشان تجاری به کار می‌رود) و سوءاستفاده (که در مورد اسرار تجاری به کار می‌رود) از دارایی‌های فکری اشاره کرد (Cimoli, et all, ۲۰۱۴).

هدف اصلی از تدوین و اعمال حقوق مالکیت فکری ایجاد بستری مناسب جهت نوآوری و شکوفایی نبوغ و خلاقیت افراد است. برای مثال، یکی از مهم‌ترین نهادهای تولیدی در بنگاه‌ها تکنولوژی است که نقش مهمی در کارایی تخصیصی و استفاده بهینه از منابع کمیاب در دو قرن اخیر در جهان داشته است. خلق تکنولوژی در قالب یک دارایی مستلزم یک بستر حقوقی مناسب است تا افراد با فراغ خاطر از امنیت و مالکیت دارایی فکری خلق شده (در اینجا تکنولوژی) منابع کمیاب خود را صرف خلق آن کنند. در غیر این صورت، رفتار عقلایی ایجاب می‌کند تا افراد دست از خلاقیت بکشند. به این ترتیب، می‌توان گفت حقوق مالکیت فکری نقش بسزایی در ایجاد تکنولوژی و رشد اقتصادی در کشورهای جهان در قرن اخیر بازی کرده است. نقشی که کماکان نیز ادامه دارد. این امر به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته که تکنولوژی نقش مهم‌تری در فرآیند رشد اقتصادی دارد مشهودتر است. در مواردی نیز وجود و اعمال حقوق مالکیت فکری منجر به بهبود سلامت عمومی جامعه می‌شود. از این جمله می‌توان به صنعت دارویی اشاره کرد که با توجه به هزینه‌های بسیار بالای توسعه محصولات دارویی جدید، در صورت نبود بستر حقوقی

ممکن است منجر به نوآوری و ارتقای محصول نوآورانه قبل از خود شود را کاهش خواهد داد. نظر به اهمیت حقوق مالکیت فکری در نوآوری و خلاقیت از یک سو و هزینه‌های اجتماعی انحصار ناشی از آن‌ها از سوی دیگر، تدوین این قوانین باید به گونه‌ای باشد که در مجموع منجر به افزایش رفاه اجتماعی شود. هنر قانونگذار در حوزه مالکیت فکری برقراری توازن میان این نیروی‌های متعارض است (Czapracka, ۲۰۰۹).

#### کتاب‌شناسی

- قاسمی، مجتبی. چالش‌های تنظیم‌گری در صنعت دارویی: یک تحلیل اقتصادی. مجله ایرانی حقوق و اخلاق زیست‌پزشکی. ۱۳۹۸؛ ۱(۱): ۶۰-۷۱.
- Cimoli, M, et all (۲۰۱۴). *Intellectual Property Rights: Legal and economic Challenges for Developmnet*, Oxford University Press.
- Czapracka. K (۲۰۰۹). *Intellectual Property and the Limits of Antitrust*, Edward Elgar Publishing, Inc.
- Poltorak, A. & Lerner, P (۲۰۱۱). *Essential of Intellectual Property: Law, Economics and Strategy*, ۲<sup>nd</sup> edition, John Wiley.

مجتبی قاسمی

حقوق اقتصادی-دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

مناسب (در اینجا اعطای پتنت‌های دارویی)، هیچ انگیزه‌ای برای بنگاه‌های دارویی جهت نوآوری و توسعه محصولات دارویی جدید وجود نخواهد داشت که این امر می‌تواند سلامت عمومی جامعه را به خطر بیندازد (قاسمی، ۱۳۹۸). انباشت دانش و نوآوری ریشه در رژیم حقوق مالکیت فکری دارد. امری که به باور بسیاری از پژوهشگران منجر به انباشت دانش و نوآوری در کشورهای توسعه‌یافته شده است وجود رژیم حقوقی حامی مالکیت فکری است، امری که در کشورهای درحال توسعه مغفول مانده است (Poltorak & Lerner, ۲۰۱۱).

با توجه به آنکه اعطای حقوق مالکیت فکری (به‌ویژه پتنت و کپی‌رایت) منجر به ایجاد انحصار برای دارندگان آن‌ها می‌شود، تنظیم‌گری انحصار ناشی از این حقوق همواره در کانون توجه قوانین ضدتراستی (Anti-Trust Law) بوده است به نحوی که حقوق مالکیت فکری و ضدتراست را دشمن یکدیگر می‌دانند. برای مثال، اعطای پتنت در واقع با ایجاد قدرت بازاری قانونی و دادن بازار انحصاری موقتی به دارنده آن، سعی بر آن دارد تا زمینه کسب سود برای بنگاه مزبور را فراهم کند به گونه‌ای که حداقل بتواند هزینه‌های مربوط به تحقیق و توسعه را پوشش داده و از سودی منصفانه نیز بهره‌مند شود. قانون‌گذار در حوزه مالکیت فکری همواره در پی آن بوده است تا افزون‌بر حداقل کردن زیان مرده ناشی از انحصار انگیزه‌های کافی جهت نوآوری و خلاقیت و در نتیجه خلق دارایی‌های فکری جدید را نیز فراهم نماید. امری که در دنیای واقعی چندان آسان نبوده و از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است. برای نمونه، یکی از چالش‌ها در اعطای پتنت ایجاد محدودیت در استفاده از دانش جدید است. به‌ویژه در مورد محصولاتی که نوآوری در آن‌ها به پژوهش‌های گذشته پیوند خورده است، اعطای پتنت با ضمانت اجرای قوی انگیزه برای پژوهش‌هایی را که